

و انات عبارتند از:

- ۴- مرحومه شمس الضحی (که فقط ایشان با مرحوم آقا شیخ بهاء الدین ایوبی بوداند)
- ۵- بانو زینت السماء (مادر آقای دکتر محی الدین محلاتی)
- ۶- بانو رفعت السماء
- ۷- بانو کواکب السماء
- ۸- بانو زهرا
- ۹- بانو شکوه
- ۱۰- بانو مهری

البته این دوازده فرزند از دو مادر بوداند بدین ترتیب دو نفر از آنان مرحوم آقا شیخ بهاء الدین و مرحومه بانو شمس الضحی از یک مادر بوداند و مادر آنها بانو نیره صبیبه مرحوم میرزا نور الدین بوده که در سن جوانی در نجف به هنگامیکه آقا شیخ جعفر مشغول تحصیل بودند از دنیا می‌رود، و او زن بسیار باتقوا و اهل زهد و عبادت بوده است.

مرحوم آیت الله آقا شیخ جعفر پس از فوت عیالش به شیراز مراجعت می‌کند و با خواهر عیالش ازدواج می‌نماید و از آن بانوی محترم نیز هفت فرزند متولد می‌شود.

فرزند ارشد مرحوم آیت الله شیخ محمد جعفر محلاتی، حضرت آیت الله حاج شیخ بهاء الدین نام این خاندان را بلند آوازه ساخت و به خاندان محلاتی شیراز مجد و عظمت بیشتری بخشید، وی در بارگاه دانش و تقوی پادشاهی و خدمت به خلق خدا، مقامی بس بلند دارد و از شدت تقوی و پادشاهی و خدمت به خلق مقامی بس ارجمند دارد و از کثرت آراستگی به فضائل عالی انسانی

مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ بیاه الدین محلاتی

در یکی از روزهای ماه رجب سال ۱۳۱۴ هجری قمری، در شهر مقدس نجف در یک خانواده علم و تقوا پسری بدینا آمد. پدر و مادر این نوزاد که در یک لحظه سعادت، غالبترین رویای عمر خود را در حال تحقق یافتند نام او را «بهاء الدین» گذاشتند. این پسر که اولین اولاد این خانواده بود از کودکی در خانواده دودمان فاضل جلوه خاصی داشت و آثار بزرگی در چهره اش نمایان بود. آری روزیکه «بهاء الدین» در خانواده‌ای با ایمان و پرهیزگار بدینا آمد پدرش آقا شیخ جعفر محلاتی ساده‌ترین زندگی طلبگی خود را در کمال بی‌بازی در شهر مقدس نجف می‌گذراند. در حالیکه خود از تعلیمات پدرش (مرحوم شیخ محمد حسن محلاتی) مراتب زهد و تقوا و پسا کدمنی و مناعت طبع را آموخته بود، آرزو داشت که فرزندش نیز به زبور این صفات آراسته گردد و از هر لحاظ خلف صالحی برای پدر و نیاکانش باشد. خداوند بزرگ هم به پاس قلب پاک و ایمان استوار او آرزوش را بر آورد.

کودک در محیط گرم خانواده و در دامن پرمهر پدر و مادر خویش در شهر علم و ایمان و مدفن مولای متقیان علی علیه السلام بزرگ میشد و یگانه مونس تنهایی مادرش در غیاب پدر بود.

مادرش همه روزه که از خواب بر می‌خواست گوش به زنگ در انتظار بیدار شدنش بود و با خود فکرمی‌کرد اگر فرزند گرامی او رشد و نمو کامل نماید می‌تواند شریک غم او گردد.

طولی نکشید فرزند دوم این خانواده پا بدینا گذاشت و محیط خانه را گرمتر ساخت و این نوزاد دختر بود و بالاخره این دو کودک سرچشمه شادمانیهای مادرشان بودند، اما افسوس روزهای خوش این مادر جوان زود به سر آمد و در